



آه ای شبان نیکو بیا

آه ای شبان نیکو بیا
ما گوسفندان مرتع تو
(ما را ببر نزد چشمه‌ها
ما را تو شبانی بنما) ۲×

گوسفند گمراهی من بودم
در بیابان سرگردان بودم
(آنگه صدایت بشنیدم
به سویت شتابان دویدم) ۲×

زین پس در حضور تو شادم
از هیچ چیز و هیچکس نترسم
(چون تو عیسی شبان منی
مرا از خطر می‌رهانی) ۲×